

اجتهاد چندمرحله‌ای

روش پژوهش استنباط مسائل فقه اقتصادی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱۴ تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۴/۱۰

سیدعباس موسویان*
رسول خوانساری**

چکیده

ابواب اقتصادی و معاملات در اسلام، ماهیت امضایی دارند. اندیشه‌وران اقتصادی متناسب با نیازهای جامعه به طراحی ابزارها و شیوه‌های معاملاتی اقدام می‌کنند و فقیهان مالی در چارچوب اصول و قواعد شریعت، آنها را بررسی و گزینش می‌کنند. چالشی که در بررسی مسائل فقه اقتصادی وجود دارد، بین‌رشته‌ای بودن و نبود روش پژوهش معتبر در این باره است؛ از یک سو اندیشه‌وران اقتصادی در طراحی ابزارهای مالی تسلط کافی بر بُعدهای فقهی ندارند و نمی‌توانند حکم شرعی لازم را استنباط کنند و از طرف دیگر این ابزارها چنان پیچیدگی دارند که نمی‌توان به پاسخ استفتای ساده که بسیاری از بُعدها، جزئیات و کاربردهای مسئله تشریح نشده، اعتماد کرد.

مقاله پیش رو می‌کوشد روش مطمئنی برای استنباط مسائل فقه اقتصادی ارائه کند؛ در این روش که اجتهاد چندمرحله‌ای نامیده می‌شود، بعد از تحلیل تفصیلی موضوع، بُعدهای فقهی مسئله به وسیله پژوهشگر بررسی می‌شود؛ سپس با شناسایی خبرگان فقه اقتصادی، نظریات تخصصی فقهی درباره مسئله مورد نظر دریافت شده، پس از پردازش اطلاعات، بحث‌ها جمع‌بندی می‌شود و در صورت اختلاف نظر، پژوهشگر به تبادل نظر بین خبرگان می‌پردازد. زمانی که پژوهشگر به اطمینان کافی رسید، با بیان نکته‌های حساس، مسئله را جهت استفتا به مراجع تقلید عرضه می‌کند و در صورت تأیید مراجع، پاسخ نهایی فقهی درباره مسئله مورد نظر به دست می‌آید.

واژگان کلیدی: روش پژوهش، فقه اقتصادی، فقه مالی، نوآوری، روش اجتهاد چندمرحله‌ای.

طبقه‌بندی JEL: O31 G1 B41.

مقدمه

دانش اقتصاد به‌عنوان یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی، اثر شگرفی در زندگی جوامع دارد و موضوع‌های گوناگونی در آن بحث می‌شود. یکی از حوزه‌های کاربردی اقتصاد، دانش مالی (Finance) است که در آن به موضوع‌هایی مانند بازارهای مالی، نهادهای مالی و ابزارهای مالی پرداخته می‌شود. بازارهای مالی با انتقال وجوه از دارندگان وجوه مازاد به متقاضیان، نقش واسطه بین این دو گروه را ایفا می‌کنند. هر چه تنوع روش‌ها، نهادها و ابزارهای مالی مورد استفاده در بازارهای مالی بیشتر باشد، امکان مشارکت افراد بیشتر با هدف‌ها، سلیقه‌ها و روحیه‌های متنوع فراهم می‌شود و بستر مناسب برای رونق اقتصادی مهیا می‌شود؛ از این رو فعالان بازارهای مالی می‌کوشند با نوآوری به تنوع ابزارهای تأمین مالی و پوشش ریسک بیفزایند.

از آنجا که آغاز طراحی و به‌کارگیری بسیاری از محصولات، ابزارها و روش‌های اقتصادی و مالی از کشورهای غربی بوده و بر اساس مبانی ارزشی و حقوقی آنها شکل گرفته است، در مواردی با مبانی ارزشی، فقهی و حقوقی اسلام سازگار نیستند. از این رو اندیشه‌وران اقتصاد و مالی اسلامی کوشیده‌اند با بررسی این روش‌ها و ابزارها، دیدگاه اسلام درباره جواز یا عدم جواز استفاده از آنها را اعلام کنند و بر این اساس به اصلاح روش‌ها و ابزارهای موجود یا طراحی ابزارها و شیوه‌های جدید بپردازند. طی سالیان گذشته، نهادها، روش‌ها و ابزارهای گوناگون مالی از نظام متعارف وارد کشورهای اسلامی شده است و بسیاری از آنها برای زمان کوتاهی درخشش خوبی داشته‌اند؛ اما پس از روشن شدن ماهیت آنها فقط آن گروه که با باورها، ارزش‌ها و فرهنگ دینی مردم سازگار بودند، ماندگار شده و بقیه دچار چالش شده و به ضعف گراییده‌اند. از این رو شرط کامیابی هر ابزار یا روش اقتباس‌شده از نظام مالی متعارف، آن است که در عین سازگاری با شاخص‌های کلان و خرد اقتصادی باید با هدف‌ها، اخلاق، اصول و قاعده‌های شریعت اسلام نیز سازگار باشد (موسویان، ۱۳۹۱، ص ۴۵). گفتنی است که در نظام‌سازی افزون بر رعایت موازین فقهی باید به هدف‌ها، اخلاق و سنت‌های الهی نیز توجه شود.

به عبارت دیگر قانون‌گذاران و طراحان نظام مالی اسلامی در طراحی ابزارها و استفاده از قراردادها افزون بر جواز فقهی باید مصلحت‌های دیگر از جمله هم‌سویی با هدف‌ها و اخلاق اسلامی و هماهنگی با سنت‌های الهی را رعایت کنند. چه‌بسا قراردادی از جهت فقهی مشروع باشد اما اجرای آن در زمان یا مکان خاصی با هدف‌ها و اخلاق اسلامی ناسازگار باشد. در این موارد حاکم اسلامی برای حفظ مصالح اسلام و مسلمانان از به‌کارگیری این ابزار جلوگیری می‌کند. از آنجا که موضوع مقاله رویکرد فقهی دارد امور دیگر به‌صورت پیش‌فرض مطرح می‌شود.

در بُعد فقهی، دین اسلام با ارائه ضابطه‌های عمومی و اختصاصی معامله‌ها، چارچوب‌های کلی را مشخص کرده و اجازه تخطی از آنها را نداده است. ضابطه‌های عمومی، قانون‌هایی هستند که به معامله‌ای خاص اختصاص ندارند و در غالب معامله‌ها جریان می‌یابند. ممنوعیت ربا، ممنوعیت ضرر، ممنوعیت غرر و ممنوعیت اکل مال به باطل در کنار شرایط عمومی طرف‌های قرارداد - مانند بلوغ، رشد، رضایت و ... - و مورد معامله از جمله مهم‌ترین ضابطه‌های معامله‌ها شمرده می‌شوند. ضوابط اختصاصی، شرایطی است که به‌طور خاص در برخی معامله‌ها تعیین شده است.

متأسفانه پژوهشگران حوزه اقتصاد و مالی اسلامی، بدون داشتن روش پژوهش خاص و با تکیه بر روش‌های متعارف که تناسب چندانی با ماهیت دانش اقتصاد و مالی اسلامی در بُعدهای فقهی ندارد در این حوزه پژوهش می‌کنند. این امر باعث شده در برخی موارد اعتبار دستاوردها و نتیجه‌های پژوهش به چالش کشیده شود و نتوان با اطمینان خاطر از نتیجه‌های به‌دست آمده استفاده کرد؛ از این رو به نظر می‌رسد طراحی و تدوین روشی که بتواند به‌عنوان الگوی عملی در پژوهش‌های فقه اقتصادی مورد استفاده باشد، نقش اثرگذاری در افزایش اعتبار دستاوردهای پژوهشی و ارتقای جایگاه اقتصاد و مالی اسلامی ایفا می‌کند.

مقاله پیش رو می‌کوشد روش اجتهاد چندمرحله‌ای را برای بررسی مسائل فقهی حوزه اقتصاد و مالی اسلامی طراحی کند تا از آن راه پژوهشگران بتوانند به نتیجه‌های معتبری دست یابند. به این منظور ابتدا دانش اقتصاد و مالی اسلامی به‌عنوان یکی از شاخه‌های اقتصاد معرفی می‌شود و پویایی و نوآوری موجود در آن تبیین می‌شود؛ سپس به تبیین جایگاه فقه در بررسی مسائل اقتصادی و مالی پرداخته و ضمن بررسی جایگاه عقل و

استدلال در بررسی مسائل فقهی، به اهمیت و نقش موضوع‌شناسی در فرایند اجتهاد اشاره می‌شود. پس از آن ضمن معرفی بنیان‌ها و روش‌های پژوهش در علوم انسانی، وضعیت موجود پژوهش در بحث‌های فقه اقتصادی بررسی و با تبیین چالش‌ها و آسیب‌های آن، الگوی اجتهاد چندمرحله‌ای در فقه اقتصادی تبیین می‌شود.

اجتهاد چندمرحله‌ای، عملیات استنباط را فرایندی مستمر و به‌هم‌پیوسته می‌داند که با موضوع‌شناسی تفصیلی پژوهشگر شروع شده؛ سپس با تبیین بُعدهای فقهی موضوع به‌وسیله وی و خبرگان فقه ادامه پیدا کرده، آن‌گاه با حکم‌شناسی مراجع تقلید تکمیل می‌شود. استفاده از روش اجتهاد چندمرحله‌ای باعث می‌شود؛ اولاً، به‌علت توجه دقیق به بُعدهای موضوع‌شناسی و حکم‌شناسی، حکم استنباط‌شده اعتبار بیشتری داشته باشد؛ ثانیاً، اختلاف فتوا در این حوزه به کمترین برسد؛ ثالثاً، قانون‌گذاران و متصدیان بازارهای مالی با اعتماد بیشتری به اعطای مجوز برای به‌کارگیری این ابزارها اقدام کنند.

اقتصاد و مالی اسلامی

بر اساس تعریف فرهنگ پالگریو، اقتصاد «علم اداره منابع محدود در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف» است (Banks, 2010, p.175). با در نظر گرفتن این تعریف، می‌توان اقتصاد اسلامی را «علم اداره منابع محدود در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف در چارچوب اصول و قواعد شریعت اسلام و مبتنی بر سنت‌های الهی، اخلاق و هدف‌های نظام اقتصادی اسلام» تعریف کرد. دانش مالی نیز به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از اقتصاد و به‌منظور کاربرد اصول و مفهوم‌های اقتصاد در تصمیم‌گیری و حل مسائل کسب‌وکار پدید آمد (Fabozzi, 2008, p.28). پالگریو، دانش مالی را به صورت قلمروی گسترده‌ای از مطالعه و کاربرد مربوط به بحث‌های پول، بانکداری، سرمایه‌گذاری، بیمه و مدیریت ریسک معرفی کرده است (Banks, 2010, p.205). گیتمن و زوتر، دانش مالی را هنر و علم مدیریت پول تعریف کرده‌اند (گیتمن و زوتر، ۲۰۱۴، ص ۴).

بحث‌های دانش مالی به سه حوزه اصلی تقسیم می‌شود: الف) ابزارها و بازارهای مالی؛ ب) مدیریت مالی؛ ج) مدیریت سرمایه‌گذاری (Fabozzi, 2008, p.28). شاخه مالی اقتصاد پویایی و نوآوری فراوانی دارد؛ به طوری که برخی دانش مالی را شکلی از مهندسی

می‌دانند که در آن ابتکارها و اختراعاتی بسیار پدید می‌آید. تا چند دهه گذشته بسیاری از ابزارهای مشتقه وجود نداشت؛ اما امروزه صدها نوع از این ابزارها با ویژگی‌ها و هدف‌های گوناگون طراحی و استفاده می‌شود و هر روز نیز تعداد آنها افزایش می‌یابد.

دانش مالی اسلامی - دانش و هنر مدیریت اموال و ثروت در چارچوب اصول و قواعد شریعت اسلام و مبتنی بر سنت‌های الهی، اخلاق و هدف‌های نظام اقتصادی اسلام - تنها نظام مالی در جهان کنونی است که بر پایه آموزه‌های یکی از ادیان الهی شکل گرفته و روزه‌روز توجه بیشتری از طرف مسلمانان و غیرمسلمانان را به خود جلب می‌کند. نظام مالی منطبق بر شریعت با رشد فزاینده‌ای در حال تسری به مناطق گوناگون جهان است. در مالی اسلامی از معامله‌ها و روش‌های مبتنی بر ربا، غرر، قمار و ... منع می‌شود و معامله‌های واقعی اقتصادی، مجاز شمرده می‌شود.

مالی اسلامی در عمل، صنعت نوپا اما با رشد سریع است و آسیای جنوب شرقی و خاورمیانه بیشترین سهم را در رشد دارند. مالی اسلامی می‌کوشد جایگزین واقعی، بادوام و اخلاقی برای نظام مالی متعارف در دنیا ارائه کند. پس از بحران مالی اخیر، انتقادات به نظام بانکداری و مالی متعارف فزونی یافت و توجه به بانکداری و مالی اسلامی در جایگاه نظام جایگزین بیشتر شد. گرچه حجم دارایی‌های مالی اسلامی در مقایسه با دارایی‌های مالی متعارف هنوز قابل توجه نیست، اما به‌علت رشد سریع این صنعت و عمل‌کرد بهتر آن در بحران مالی، بسیاری از فعالان مالی باور دارند این صنعت می‌تواند به جایگزینی برای نظام مالی متعارف تبدیل شود (Thiagaraja et al., 2014, p.13).

اجتهاد و اهمیت آن در فقه شیعه

اجتهاد از ماده «جهد» به معنای سخت‌کوشی (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۲۷) و به‌کار بستن تمام کوشش برای انجام‌دادن کاری است (فیومی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۱۲). واژه اجتهاد در قرآن کریم نیامده؛ اما می‌توان واژه قرآنی «تفقه» را نزدیک به آن دانست؛ زیرا فقه در لغت به معنای فهم (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۳۴ / ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۴۶۵) و حقیقت آن، شکافتن و گشودن است (مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۷۱۳). فقه در اصطلاح به معنای فهم دین و شرع به‌کار می‌رود (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۳، ج ۲،

ص ۱۳۵). این واژه در قرآن کریم و سنت کاربرد گسترده‌ای دارد و به همان معنای لغوی؛ یعنی فهم عمیق از معارف و آموزه‌های اسلامی به‌کار رفته و به حوزه خاصی از دین اختصاص ندارد (انعام: ۹۸ / اسراء: ۴۴ و ۴۶)؛ اما به تدریج در اصطلاح فقیهان به شاخه‌ای خاص از علوم دینی (احکام شرعی فرعی) اختصاص یافت (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۱۲۶). امروزه فقه را علم به احکام عملی بر اساس ادله تفصیلی می‌دانند (ایوان کیفی ورامینی، ۱۴۰۴ق، ص ۲ / واعظ حسینی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۴۳۶ / راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۴۲) و مقصود از ادله تفصیلی، ادله چهارگانه - قرآن کریم، سنت، اجماع و عقل - هستند که احکام شرعی فرعی از آنها به دست می‌آید.

اسلام به‌منظور تکامل برداشت از منابع عقلی و نقلی و تعامل بیشتر با آنها دو نوع اجتهاد را به جامعه بشری یادآوری کرد که هر یک مکمل دیگری است؛ اجتهاد نخست که اصلی‌ترین سنخ آن شمرده می‌شود همان است که در حوزه‌های علمی رایج و در میان مجتهدان فقه و اصول رایج است که با دراست سالیان متمادی به ملکه استنباط دست می‌یابند؛ اجتهاد دوم که صبغه موضوع‌پروری آن واضح و جریان اجرایی بودن نه تقنینی آن روشن می‌باشد، همان است که در میان اقوام و ملت‌ها با گرایش‌ها و منش‌های متفاوت رواج دارد و اسلام قسم زیبا و عدل و احسان آن را امضا کرد. این اجتهاد صبغه تشریح نداشته و زیربنای مشروعیت قانونی خود را از اصول عقلی و مبانی نقلی گرفته و از اطلاق‌ها و عمومات، مطلوب‌بودن چیزی را کشف کرده و در کیفیت اجرا و تعامل آن کوشش بلیغ شده تا به‌صورت کاربردی و کارآمد مقبول جامعه شود. این‌گونه امور با کارشناسی نخبگان و فرهیختگان هر فن و رشته‌ای پس از احراز اصل مشروعیت و قانونی بودن آن و بعد از بررسی موضوع‌شناسانه همه‌جانبه تصویب می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۴۹). گشوده‌بودن باب اجتهاد، یکی از ارزشمندترین ویژگی‌های مذهب تشیع است که جایگزینی برای آن نمی‌توان یافت و خود بستری برای نوآوری‌ها و مسائل مستحدثه جدید از جمله درباره امور مالی فراهم می‌سازد. استمرار اجتهاد، فقیه را در استنباط احکام مربوط به موضوع‌های تازه و بی‌سابقه از دو منبع نقل و عقل یاری می‌کند. موضوع‌های جدید، همواره با تحول‌های جدید اجتماعی چهره می‌نمایند و فقیه به تناسب وضعیت اجتماعی تازه، ضرورت تحقیق درباره احکام پوشیده‌ای که تاکنون از معرفت آنها بی‌بهره بوده را احساس می‌کند و استنباط احکام

موضوع‌های تازه و بی‌سابقه را بر اساس اصول و قاعده‌های شرعی و بدون اعمال سلیقه و پندار شخصی خود آغاز می‌کند. بی‌شک شناخت دقیق این موضوع‌ها، شرط اساسی برای استنباط حکم مربوط به آنهاست؛ زیرا افزون بر آنکه هر حکم بر موضوع مختص به خود مترتب است، شناخت دقیق موضوع‌های جدید که متأثر از مسائل و حادثه‌های جدید است، فقیه را با زمان خود و مقتضیات آن آشنا می‌سازد و وی را در یافتن مناسبت‌های عقلی احکام، موضوع‌ها و شناخت برخی از شواهد عقلی مربوط به آشکارشدن احکام، یاری می‌کند. در حقیقت با آگاهی از زمان و حوادث مربوط به آن، راه استنباط احکام الهی از منابع شرعی همواره باز است (جوادی آملی، ۱۳۸۶).

باید توجه داشت که بین اجتهاد برای کشف احکام شرعی فعالیت‌های مردم و اجتهاد برای کشف احکام شرعی فعالیت نظام‌سازان و طراحان در جامعه اسلامی تفاوت وجود دارد. هنگامی که عموم جامعه در پی یافتن پاسخ‌های مسائل روزمره و فعالیت‌های جاری خود هستند، ممکن است با پرسش‌ها و مسائلی روبه‌رو شوند که به‌طور عمده پیچیدگی فراوانی نیز ندارند؛ از این‌رو در غالب موارد، فقیهان بر اساس مبانی و منابع موجود به کشف و صدور حکم می‌پردازند؛ اما هنگامی که نیاز به طراحی در سطح کلان - به‌طور مثال، طراحی ابزار جدید مالی - باشد که قرار است در تمام نظام اسلامی به کار رود، امر موضوع‌شناسی اهمیت بسیار زیادی پیدا می‌کند و لازم است با دقت و ظرافت بیشتری در سطوح گوناگون، بررسی کارشناسانه انجام شود و در واپسین مرحله جهت استخراج و صدور حکم به فقیهان عرضه شود.

جایگاه فقه در اقتصاد و مالی اسلامی

در مذهب شیعه، باب اجتهاد و فقاہت همیشه باز است و حرکت آن به سمت رشد و کمال و پویایی ادامه دارد. گشوده‌بودن باب اجتهاد سرچشمه تحول و تطور شگرف فقه در طول حیات خود از آغاز تاکنون شده است؛ هم از لحاظ گستره بحث‌ها و مسائل متناسب با وضعیت و مقتضیات زمان و هم از بُعد ژرف‌نگری و عمق‌بخشی به دانش فقه (مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۷۱۴). یکی از عرصه‌های مهم دانش فقه، احکام

قراردادها یا معامله‌هاست که امروزه با شکل‌گیری بحث‌های نوین اقتصادی و مالی، شکل پیچیده‌تری به خود گرفته است.

یادگیری احکام شرعی، پیش‌شرط دادوستد و ورود به هر نوع کسب‌وکاری است و در اسلام بر توجه به یادگیری احکام پیش از اشتغال به امور اقتصادی و مالی پافشاری شده است. مردی به امیر مؤمنان علیه السلام گفت: در پی کسب‌وکار هستم. فرمود: آیا از احکام دینی خود، اطلاع داری؟ گفت: پس از کار چنین خواهم کرد. فرمود: «وَيَحْكُ الْفَقَهُ ثُمَّ الْمَتَجِرُ، فَإِنَّهُ مَنْ بَاعَ وَاشْتَرَىٰ وَلَمْ يَسْأَلْ عَنِ حَرَامٍ وَلَا حَلَالٍ ارْتَضَمَ فِي الرَّبَا، ثُمَّ ارْتَضَمَ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۱۰۰): وای به حالت! نخست احکام (خرید و فروش) را یاد بگیر، سپس به تجارت پرداز؛ زیرا اگر کسی دادوستد کند و از حلال و حرام آن نپرسد در رباخواری فرو رفته؛ سپس گرفتار می‌شود».

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

«مَنْ أَرَادَ التَّجَارَةَ فَلْيَتَفَقَّهُ فِي دِينِهِ لِيَعْلَمَ بِذَلِكَ مَا يَحِلُّ لَهُ مِمَّا يَحْرُمُ عَلَيْهِ وَ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهُ فِي دِينِهِ تَوَرَّطَ الشُّبُهَاتِ (حرّ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۲۸۳): هر که می‌خواهد تجارت کند باید با مسائل دینش آشنا شود تا حلال و حرام را از هم باز شناسد و کسی که پیش از فراگیری احکام دینش تجارت کند، داخل کارهای شبهه‌ناک خواهد شد».

فعالیت‌های اقتصادی اگر طبق معیارها و ضوابط شرعی و فقهی صورت نگیرد از سوی اسلام به رسمیت شناخته نمی‌شود. کاهش روزی حلال، قحطی و کمبود، عدم پذیرش عبادت‌ها، دوری از رحمت الهی و ورود به دوزخ از مهم‌ترین آثار کسب‌وکارهای نامشروع و فاسد است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۵۹۳). همان‌طور که گفته شد بین فقهی که به فعالیت‌های اقتصادی مردم ناظر است و مسائل و دشواری‌های آنها در این باره را رفع و رجوع می‌کند (فقه فردی) با فقهی که به فعالیت نظام‌سازان و طراحان ساختارها، سازوکارها، نهادها، ابزارها و شیوه‌های معاملاتی ناظر است (فقه نظام‌ساز) تمایز وجود دارد؛ فعالیت‌های اقتصادی مردم باید در چارچوب فقه باشد؛ اما نظام‌سازی و طراحی ساختارها، سازوکارها، ابزارها و شیوه‌های معاملاتی که به وسیله حکومت انجام می‌شود باید در چارچوب تمام آموزه‌های اسلامی اعم از سنت‌های الهی، اخلاق، فقه و هدف‌های نظام اقتصادی اسلامی باشد. بر این اساس قانون‌گذاران، سیاست‌گذاران و مجریان به‌ویژه طراحان ساختارها، سازوکارها، نهادها، ابزارها و شیوه‌های معاملاتی وظیفه دارند از صحت شرعی

محصول‌ها و شیوه‌های به‌کارگرفته‌شده مطمئن شوند و در طراحی این موارد، تمام آموزه‌های شریعت اعم از فقه، اخلاق، سنت‌های الهی را مد نظر قرار دهند. از آنجا که غالب شیوه‌ها و ابزارهای مورد استفاده در بازارهای مالی، محصول‌های نوپیدا شمرده می‌شوند برای کشف حکم شرعی آنها به اجتهاد و بررسی فقهی دقیق نیاز است.

موضوع‌شناسی در فقه اقتصادی

یکی از بحث‌های مهم درباره استنباط‌های فقهی، مسئله موضوع‌شناسی است. در حقیقت موضوع‌های مهبط احکام هستند و نقشی کارساز، راه‌گشا و جهت‌دهنده در نوع استنباط‌ها و چگونگی برخورد با مسائل دارند. فقیه، بدون شناخت موضوع نمی‌تواند حکم متناسب را بیان کند. فقیه و مجتهد کارش استنباط و استخراج احکام است؛ اما اطلاع و احاطه وی به موضوع‌ها در فتوایش اثر فراوانی دارد (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۱۲۹-۱۳۰).

گرچه فقیهان اصطلاح موضوع را در بحث‌های فقهی خود بسیار به کار برده‌اند، اما کمتر به تعریف دقیق آن پرداخته‌اند (مهدوی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۵). محقق نائینی^{ره} موضوع را امری که حکم شرعی بر آن مترتب شده، معنا کرده است که گاهی از آن به موضوع و گاهی به سبب و شرط تعبیر می‌شود (نائینی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۳۸۹). برخی فقیهان مانند شهید صدر^{ره} و امام خمینی^{ره} افعالی که حکم شرعی مقتضی پدیدساختن یا منع از آن است را متعلق احکام نامیده و متعلق متعلقات یعنی اشیای خارجی که متعلق اول به آنها تعلق می‌گیرد، موضوع نامیده‌اند (هاشمی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۷۷ / موسوی خمینی، ۱۴۱۰ق (الف)، ج ۱، ص ۱۱۵). با وجود اختلاف نظر در تعریف موضوع می‌توان گفت در هر قضیه شرعی سه رکن اساسی وجود دارد: الف) تکلیفی که از طرف شارع صادر می‌شود که به آن حکم اطلاق می‌شود؛ ب) فعلی که حکم به آن تعلق می‌گیرد که به آن موضوع می‌گویند؛ ج) فردی که مورد خطاب است و عمل مورد نظر از وی خواسته می‌شود که به وی مکلف اطلاق می‌شود (مهدوی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۶).

اصلی‌ترین تقسیم‌بندی که درباره موضوع‌های فقهی صورت گرفته است، تقسیم‌بندی آن به موضوع‌های مخترعه شرعی و موضوع‌های عرفی است (کاشف‌الغطاء، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۳۳ / حکیم، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۰۵ / موسوی خمینی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۱۸)؛ مراد از

موضوع‌های مخترعه شرعی، تکلیف‌های خاصی می‌باشد که شارع بر عهده مردم گذاشته است که با آن مفهوم خاص در عرف جامعه رایج نبوده است؛ گرچه در تبیین مراد خود از کلمه‌هایی استفاده کرده که معنای آن در عرف جامعه شبیه معنای مخترع بوده است؛ به‌طور مثال، معنای لغوی صلوة، مطلق دعا است؛ اما شارع این لفظ را در معنای خاصی که مرادش بوده استعمال کرده است؛ بنابراین استعمال آن در ابتدا در معنای جدید مجازی بوده است؛ حال اگر استعمال آن در زمان شارع به حدی رسیده باشد که از کاربرد آن معنای شرعی آن به ذهن مخاطبان متبادر شود، به آن «حقیقت شرعی» و اگر بعد از زمان شارع چنین تبادری صورت گیرد به آن «حقیقت متشرعه» گویند (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۳۶).

مراد از موضوع‌های عرفی، موضوع‌هایی است که در حوزه تشریح در معنایی غیر از معنای عرفی به کار برده نشده و مقصود از آنها همان معنای متبادر عرفی است؛ این موضوع‌ها خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف) موضوع‌هایی که شارع در آنها تصرف کرده و قیدها و شرط‌هایی را در موضوع آن احکام لحاظ کرده است، به‌طور مثال، مراد از بیع، مضاربه، شرکت، مساقات، همان معنای عرفی آنهاست؛ اما شارع صحت این قراردادها را به ربوی نبودن، غری نبودن و ... مشروط کرده است؛ ب) موضوع‌هایی که مراد از آنها همان معنای عرفی بدون تقیید شارع است؛ رشد و سفاقت در شروط طرفین قرارداد، استطاعت در حج، مکیل و موزون در ربای معاملی از آن جمله هستند (مهدوی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۷).

با توجه به اینکه رابطه موضوع با حکم، رابطه سبب با مسبب است (صدر، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۰۷) با تغییر موضوع، حکم نیز دگرگون می‌شود (کاشف‌الغطاء، [بی تا]، ج ۱، ص ۱۹۴)؛ بنابراین شناخت موضوع‌ها در استنباط احکام مربوطه نقش اساسی دارد. شیخ انصاری رحمته الله در بسیاری از مواقع سرچشمه شک در حکم را شک در موضوع و محل حکم می‌داند که آیا قیدی که در موضوع حکم لحاظ شده است، موضوعیت داشته به گونه‌ای که با زوال آن، موضوع و در نتیجه حکم آن مرتفع شده یا موضوعیت نداشته و موضوع و در نتیجه حکم آن هم باقی است (انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۹۴).

مرجع فقیه در شناخت موضوع‌های شرعی و موضوع‌های عرفی که به وسیله شرع تقیید و تحدید شده، شارع است (مهدوی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۷)؛ اما مرجع شناخت موضوع‌های عرفی، عرف و عادت است (شهید ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۴۰)؛ در عین حال باید بین

وظیفه شناخت موضوع و مرجع شناخت آن تفکیک قائل شد. اینکه مرجع تشخیص موضوع‌های عرفی، عرف است، به این معنا نیست که شناخت مفهوم این موضوع‌ها کار اجتهادی نیست؛ بنابراین تقلید در این موضوع‌ها لازم نیست بلکه فهم فقیه از عرف نسبت به این موضوع‌ها معتبر بوده و تقلید در آنها لازم است. نراقی رحمته الله علیه ضمن اینکه پذیرفته است شیوه فقیهان درباره شناخت موضوع‌های عرفی مراجعه به عرف متخصص است (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۲۱) می‌گوید: «برای مجتهد جایز نیست که تقلید در موضوع‌ها را از حوزه تقلید خارج کند. زیرا شمول ادله‌ای که استنباط فقیه را معتبر می‌داند، شامل استنباط در موضوع نیز می‌شود» (نراقی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۹۳)؛ بنابراین وظیفه شناخت مفهوم موضوع‌هایی که در لسان ادله به صورت «قضایای حقیقه» متعلق حکم واقع شده‌اند، اعم از موضوع‌های عبادی - مانند: نماز، روزه، زکات و خمس - و عرفی - مانند: بیع، مضاربه، مساقات، خمر، نفقه و استطاعت - به عهده فقیه بوده و تقلید در آن واجب است. برخی از فقیهان که شأن اصلی فقیه را موضوع‌شناسی دانسته‌اند، نظر به این مقام داشته‌اند (مهدوی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۸).

متأسفانه برخی از صاحب‌نظرهایی که در حصارهای متداول اجتهاد می‌اندیشند، فقط در حصار حکم‌شناسی حرکت می‌کنند و بهای لازم را به موضوع‌شناسی نمی‌دهند؛ بنابراین به علوممانند صرف و نحو، لغت، معانی و بیان و منطق پسند می‌کنند و به سوی شناخت «احکام» حرکت می‌کنند و برخی هم فراگیری علوم دیگر را که در مسیر موضوع‌شناسی قرار می‌گیرند، غیرضروری تلقی می‌کنند؛ اما اگر در سازوکار مسائل فقه و محتوای آن و میدان‌های گسترده‌ای که فقه فراروی مکلفان می‌گشاید، دقت کنیم خواهیم یافت که فقط حکم‌شناسی نیست که ما را در درک احکام الهی یاری می‌کند بلکه فراتر از آن، مسئله موضوع‌شناسی است؛ به گونه‌ای که حتی طرفداران چنان نظریه‌ای به طور غیرمستقیم، سراغ موضوع‌ها می‌روند و موضوع‌شناسی کرده، سپس به سمت حکم‌شناسی سیر می‌کنند (نوایی، ۱۳۸۱، ص ۲).

هدف از تقلید و رجوع جاهل به عالم، شناخت موضوع‌هاست و در مواردی که موضوع حکم شرعی از موضوع‌های عرفی غیرنظری است در حقیقت، عرف خود نسبت به شناخت موضوع عالم بوده و نیازمند رجوع به مجتهد در این باره نیست. تفکیک موضوع‌ها

به شرعی و غیرشرعی و عرفی مقید به شرع و عرفی محض، به‌طور مسلم کار اجتهادی است که فقط در گرو دقت در موضوع‌ها حاصل می‌شود و سیره فقیهان مبنی بر دقت در شناخت موضوع‌های عرفی تأییدکننده همین مطلب است؛ به‌طور مثال، مکاسب محرمه شیخ انصاری رحمته‌الله چیزی جز موضوع‌شناسی برخی از موضوع‌های عرفی مانند سحر، لہو، رشوه و غنا و ... نیست (مهدوی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۹).

گفتنی است مطالب پیش‌گفته درباره شناخت موضوع‌های احکام، مربوط به یک مرحله از استنباط است. مرحله دیگر در مقام اجرای احکام، تطبیق موضوع‌ها بر مصداق‌های خارجی آن است. همان‌طور که گفته شد شناخت مفهوم‌های موضوع‌ها به عهده فقیه بوده و تقلید در آن واجب است؛ اما تطبیق موضوع بر مصداق‌های خارجی آن به عهده مکلف است و تقلید در آنها جایز نیست (همان، ص ۲۰۰).

از آنجا که در اقوال برخی فقیهان از تطبیق احکام بر مصداق‌های خارجی به موضوع‌شناسی تعبیر شده و در نتیجه از حوزه اجتهاد و تقلید خارج دانسته شده، ممکن است بین این دسته از اقوال و اقوالی که موضوع‌شناسی را وظیفه فقیه دانسته و تقلید در موضوع‌ها را لازم بدانند، برداشت تعارض شود. همان‌طور که تبیین شد، مراد فقیهان در جایی که تقلید در موضوع‌ها را جایز ندانسته‌اند؛ تطبیق موضوع‌ها بر مصداق‌های خارجی آنهاست؛ اما چنانکه شک در موضوع به شک در معنا و مفهوم برگردد، اجتهاد و در نتیجه تقلید در آن لازم خواهد بود (همان، ص ۲۰۱).

فقیه در مقام استنباط حکم و صدور فتوا با دو نوع موضوع‌شناسی روبه‌رو است: الف) شناخت موضوع‌های منصوص؛ ب) شناخت موضوع‌های مستحدثه. مراد از موضوع‌های منصوص، موضوع‌هایی است که در منابع استنباط و لسان ادله، متعلق حکمی از احکام شرعی شده‌اند و خود به دو دسته موضوع‌های عرفی و عبادی تقسیم می‌شوند. زکات، خمس، نماز، روزه، غنا، بیع، قرض و ... از این قبیل موضوع‌ها هستند. مراد از موضوع‌های مستحدثه، موضوع‌هایی است که در منابع استنباط، محکوم به حکمی نشده‌اند. مرگ مغزی، حقوق معنوی مانند حق چاپ، لقاح مصنوعی، پول، بانک، خرید و فروش سهام و اوراق قرضه، پیوند اعضا و ... از این جمله هستند. فقیه برای اینکه بتواند با ارجاع این موضوع‌ها و فروع جدید به اصول آنها حکم شرعی را استخراج کند، نیازمند شناخت کامل این

موضوع‌هاست؛ بنابراین فقیه از یک‌سو باید موضوع‌هایی را که مورد حکم شرعی واقع شده‌اند را بشناسد و از طرف دیگر با شناخت موضوع‌های جدید بتواند حکم آنها را با توجه به حکم موضوع‌های منصوص استنباط کند (همان، ص ۲۰۲). مسائل مستحدثه، فقط موضوع‌های نوپیدای بدون سابقه نیستند بلکه هر روز ممکن است دسته‌ای از موضوع‌های سابق که حکم مشخص داشته‌اند، به جرگه موضوع‌های جدید بپیوندند و حکم جدیدی را طلب کنند و حکم جدید نیاز به اندیشه جدید دارد و اجتهاد و استنباط نو می‌خواهد (غلامی و میراحمدی، ۱۳۹۳، ص ۹۸).

با توجه به گستردگی و تنوع علوم و مسائل گوناگون در جهان کنونی، شناخت درست موضوع در حوزه مسائل اقتصادی، پزشکی، سیاسی و ... نیازمند برخورداری از تخصص مربوطه یا استفاده از نظرهای متخصصان آن حوزه است. با توجه به اینکه کسب تخصص در تمام زمینه‌ها با توجه به پیشرفت و در نتیجه پیچیدگی مسائل علمی در توان یک فرد و یک نوع تخصص نیست، رسیدن به حکم چنین موضوع‌هایی مستلزم کار گروهی و بین‌رشته‌ای و استفاده از نظرهای متخصصان است (مهدوی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۲).

مسئله موضوع‌شناسی به‌ویژه در موضوع‌های مطرح در دنیای کنونی اهمیت بیشتری می‌یابد و در مواردی که با طیف گسترده‌تری از مخاطبان سروکار دارد، حساسیت آن بیشتر خواهد بود. دانش اقتصاد به‌ویژه در بحث‌های مالی یکی از حوزه‌هایی است که نوآوری فراوانی در آن وجود دارد و موضوع‌ها و مسائلی در آن مطرح می‌شود که فهم آنها نیازمند کاوش و بررسی عمیق است. با توسعه بحث‌های اقتصادی و مالی، روزبه‌روز محصول‌ها و خدمات جدیدی طراحی می‌شوند که گاه درک ماهیت آنها بسیار دشوار است. همچنین بیشتر موضوع‌های اقتصادی و مالی به‌گونه‌ای است که با طیف گسترده‌ای از مخاطبان سروکار دارد و عدم شناخت دقیق موضوع‌ها در این حوزه، ممکن است به صدور آرای بی‌بجامد که نه‌تنها از جنبه مادی خسران به بار آورد بلکه از جنبه معنوی نیز جامعه را متضرر سازد؛ بنابراین موضوع‌شناسی چه به‌عنوان یکی از مرحله‌های فرایند اجتهاد یا به‌عنوان مقدمه آن نقش کلیدی در اعتبار حکم استنباط‌شده دارد.

برخی موضوع‌های چالشی در فقه اقتصادی

موضوع‌های مطرح در دانش اقتصاد، گاه بسیار چالشی و بررسی بُعدهای فقهی آنها ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های خاصی دارد؛ با وجود این در بسیاری موارد دیده می‌شود که پژوهشگران فقه اقتصادی فاقد یک سازوکار روشمند و منسجم برای بررسی این موضوع‌ها هستند و با وجود پیچیدگی و ظرافت موضوع، حتی در تبیین موضوع برای فقیهان نیز دقت و عمق کافی به‌وسیله متخصصان و پژوهشگران صورت نمی‌گیرد. در این بخش از مقاله، به منظور ارائه شواهد، چند نمونه از موضوع‌های چالش‌برانگیز مطرح می‌شود:

الف) معاملات فارکس (ارز): بازار فارکس (ارز) هنگامی پدید می‌آید که دو ارز به صورت پایاپای با یکدیگر دادوستد می‌شوند؛ شکل ساده بازار فارکس، بازاری است که در آن ارزهای گوناگون مانند دلار، یورو، پوند و ین در برابر هم معامله می‌شوند. در این بازار، شخص سرمایه‌گذاری که احتمال می‌دهد قیمت ارز افزایش یابد، آن ارز را می‌خرد و هنگامی که ارزش آن افزایش یافت یا احتمال کاهش قیمت آن ارز را می‌دهد، می‌فروشد و از میزان تفاوت قیمت خرید و فروش سود می‌برد و در مواردی که پیش‌بینی اش اشتباه باشد، ضرر می‌کند. شکل ساده دادوستد ارز از نظر شرعی اشکالی ندارد زیرا تمام شرایط معامله را دارد و شرط خلاف شرع وجود ندارد. اگر این نوع معامله به‌صورت الکترونیکی نیز انجام گیرد و شرایط معامله رعایت شود، شرعاً جایز است.

اما آنچه امروزه به‌عنوان بازار فارکس مطرح است، شکل ساده خود را از دست داده و فعالان این بازار، به جای خرید و فروش واقعی ارز به دادوستدهایی می‌پردازند که چه‌بسا از نظر شرعی اشکال‌هایی دارد و باعث حرمت و عدم جواز این نوع دادوستدها می‌شود. دادوستدهای رایج فارکس امروزه به‌صورت‌های گوناگون انجام می‌گیرد.

یکی از رایج‌ترین صورت‌ها، آن است که برخی از کسانی که خود را در محیط اینترنت به‌عنوان کارگزار بازار فارکس معرفی می‌کنند و سایت یا وبلاگی برای خود ساخته‌اند، هویت مشخص واقعی ندارند و هدف آنها از این کار کلاه‌برداری است. این گروه با تبلیغات گسترده و با فریب مردم سرمایه آنان را جمع کرده و در ظاهر دادوستدهای ارز انجام می‌دهند و ممکن است برای مدتی نیز سود بپردازند؛ اما پس از مدتی اسم و رسم خود را از محیط

اینترنت بر می‌دارند؛ به طوری که مال‌باخته، هیچ راهی برای پی‌گیری ندارد و سرمایه خود را از دست می‌دهد. روشن است که این گروه از دادوستدهای فارکس، نامشروع است.

گروه دوم کسانی هستند که خود را در محیط اینترنت به‌عنوان کارگزار فارکس معرفی می‌کنند و هویت مشخص نیز دارند و در پایگاه اینترنتی، دادوستدهای سفارش‌شده به‌وسیله صاحب سرمایه را روزانه در صفحه ویژه‌اش نمایش می‌دهند و وی نیز به این گمان که گزارش واقعی است به آنان اعتماد می‌کند؛ اما در حقیقت این صفحه اینترنتی یک نمایش صوری بیش نبوده و واقعیت ندارد و آنان اموال سرمایه‌گذار را در جای دیگری مانند قاچاق، سرمایه‌گذاری کرده یا برای پرداخت بدهی‌های معوقه خود استفاده می‌کنند. این قسم از دادوستدهای فارکس نیز شرعی نیست؛ زیرا سودوویان به دست آمده، بر مبنای واقعی نیست و فقط برخاسته از بازی با اعداد و صفحه مجازی است.

گروه سوم کسانی هستند که خود را در محیط اینترنت به‌عنوان کارگزار بازار فارکس معرفی می‌کنند و چه‌بسا هویت مشخصی هم داشته باشند و در بازار ارز نیز فعالیت می‌کنند اما نوع دادوستدهایشان مشروع نیست. این گروه به جای خریدوفروش واقعی ارز به دادوستدهای هرمی روی دارایی‌های غیرواقعی اقدام می‌کنند؛ به طور مثال، در معامله آتی نرخ ارز، یک طرف متعهد می‌شود نرخ یک میلیون یورو را در برابر نرخ یک میلیون و دویست هزار دلار بفروشد و دیگری متعهد به خرید می‌شود؛ در حالی که هیچ‌یک قصد جدی خرید یا فروش یورو یا دلار را ندارند بلکه در پایان روز، بر اساس قیمت‌های جدید تسویه نقدی می‌کنند. روشن است که چنین دادوستدی مبنای شرعی ندارد و درآمد به‌دست‌آمده از آنها نیز نوعی شرط‌بندی و اکل مال به باطل است.

گروه چهارم کسانی هستند که خود را در محیط اینترنت به‌عنوان کارگزار فارکس معرفی می‌کنند و چه‌بسا هویت مشخصی هم داشته باشند و به‌طور حقیقی هم خریدوفروش ارز انجام دهند، اما در ضمن قرارداد خود با صاحبان سرمایه شرط‌هایی مطرح می‌کنند که آن شرط‌ها خلاف شرع است؛ به طور مثال، شرط می‌کنند زمان‌هایی که معامله‌ای در کار نیست سرمایه را به‌صورت ربوی به بانک یا مؤسسه‌ای قرض داده و بهره دریافت کنند.

البته در کنار این صورت‌های باطل، صورت‌های صحیحی نیز قابل تصور و اجراست که در آن سرمایه افراد مطابق ضابطه‌های شرعی و بین‌المللی در خریدوفروش واقعی ارز به

کار رفته و سودوزیان به دست آمده، سودوزیان بازار است. متأسفانه برخی با مطرح کردن شکل ساده دادوستدهای فارکس و تبیین موضوع بدون اشاره انواع صورت‌های این دادوستدها، در صدد گرفتن مجوز فقهی هستند؛ در حالی که امروزه شکل صحیح دادوستدهای فارکس بسیار کم است و شکل رایج آن که در سطح وسیعی در اینترنت وجود دارد، صورت‌های باطل دادوستدهای فارکس شمرده می‌شود (موسویان، ۱۳۹۰).

ب) کارت اعتباری مرابحه: یکی از انواع قرارداد بیع، بیع مرابحه است که در آن فروشنده قیمت تمام‌شده کالا، اعم از قیمت خرید، هزینه‌های حمل‌ونقل و نگهداری و دیگر هزینه‌های مربوطه را به اطلاع مشتری رسانده، سپس با افزودن مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود، کالا را می‌فروشد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۳۰۳). یکی از ابزارهای جدید در نظام بانکی کشور که در طراحی آن از عقد قرارداد مرابحه استفاده شده، کارت اعتباری مرابحه است. در نگاه اول به نظر می‌رسد که ماهیت کارت اعتباری مرابحه مانند کارت اعتباری متعارف است؛ بنابراین برخی بر این اساس، حکم به عدم جواز کارت اعتباری مرابحه می‌کنند، در حالی که دقت نظر در ارکان و روابط حقوقی کارت اعتباری مرابحه نشان می‌دهد، در سامان‌دهی معامله‌های کارت اعتباری بر اساس قرارداد مرابحه، از ترکیب چند قرارداد استفاده می‌شود و صحت شرعی معامله با کارت اعتباری، به صحت آنها وابسته است. در حقیقت پس از تعیین سقف اعتبار و صدور کارت به وسیله بانک، چند معامله انجام می‌گیرد که مهم‌ترین آنها عبارت هستند از: وکالت در خرید، خرید وکالتی، فروش الکترونیکی مرابحه‌ای نسبی، تخفیف در بدهی و جریمه تأخیر تادیه (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳، ص ۳۵۷). از این رو در بررسی فقهی کارت اعتباری مرابحه، نباید ساده‌انگاری شود و لازم است به روابط حقوقی و فقهی و قراردادهای موجود در آن دقت شود.

ج) بورس‌بازی (سفته‌بازی): بورس‌بازی (Speculation)، فعالیتی اقتصادی است که با هدف دست‌یابی به سود از راه پیش‌بینی تغییرهای قیمت کالا، اوراق بهادار یا ارز انجام می‌شود. انگیزه اصلی بورس‌بازان از انجام خرید و فروش دارایی‌های گوناگون، تحصیل سود است. بورس‌بازان ممکن است کالایی را بخرند که به‌طور حقیقی به آن نیازی ندارند و فقط به این علت که پیش‌بینی می‌کنند قیمت آن در آینده افزایش یابد، آن را می‌خرند. همچنین

ممکن است کالایی را که در حقیقت به آن نیاز دارند، بفروشند فقط به این علت که قیمت آن در آینده کاهش خواهد یافت.

بورس‌بازی اگر به صورتی کنترل‌شده و واقعی انجام شود، اثرهای مثبتی مانند کاهش نوسان قیمت‌ها و افزایش درجه نقدشوندگی دارایی‌ها و سهولت تجهیز منابع مالی دارد (میرمعزی، ۱۳۸۴، ص ۵۲). با وجود این، ممکن است برخی از انواع بورس‌بازی از نظر فقهی مجاز نباشد؛ به طور مثال، برخی از انواع بورس‌بازی گر چه در ظاهر خریدوفروش ساده است، اما همراه با احتکار، تبانی، خریدوفروش‌های صوری و مانند آن است که با هدف تغییر مصنوعی قیمت بازار به نفع بورس‌بازان انجام می‌شود؛ بنابراین به‌منظور صدور حکم درباره جواز یا عدم جواز بورس‌بازی، لازم است انواع دادوستدهای بورس‌بازی شناسایی شود و با شناخت دقیق ماهیت آنها، حرمت یا حلیت آنها مشخص شود.

(د) بازاریابی شبکه‌ای و شرکت‌های هرمی: بازاریابی شبکه‌ای (Network Marketing) نوعی شیوه بازاریابی و فروش است که در آن شرکتی، محصول‌های خود را بدون تبلیغات و با کمترین واسطه می‌فروشد و مشتری‌ها پس از خرید می‌توانند برای این محصول‌ها بازاریابی کنند و سود ببرند. بازاریابی شبکه‌ای که در آن واسطه‌های کاذب اقتصادی حذف می‌شوند، اساساً امری مفید است اما در نقطه مقابل شرکت‌های هرمی یا به اصطلاح دسیسه‌های هرمی نام دارند، از عنوان بازاریابی شبکه‌ای سوءاستفاده می‌کنند. در شرکت‌های هرمی هیچ خبری از تجارت کالای مصرفی و کار مفید اقتصادی نیست و فقط هرم‌هایی را تشکیل می‌دهند که در آنها پول افرادی که در سطوح پایین‌تر هرم قرار دارند به جیب شرکت‌ها و افرادی معدود می‌رود که در رأس هرم قرار می‌گیرند (اسکینی و مهربخش، ۱۳۹۱، ص ۱۰-۱۳). افزون بر پیامدهای اقتصادی ناسالم، برخی اشکال‌های شرعی مانند: غرر، ضرر، اکل مال به باطل و قمار به آنها وارد باشد. برخی افراد برای کسب جواز شرعی برای این‌گونه شرکت‌ها، فعالیت آنها را به‌صورت ساده و در قالب یک فعالیت بازاریابی شبکه‌ای معمولی جلوه می‌دهند که در ازای آن کارمزد دریافت می‌شود.

شرکت‌های بازاریابی شبکه‌ای، هر چند بسیاری از مشکلات شرکت‌های هرمی را ندارند، اما از نظر ساختار معاملاتی شباهت‌های فراوانی با شرکت‌های هرمی داشته و از دیدگاه برخی فقیهان، اشکال اصلی شرکت‌های هرمی که عبارت است از «اکل مال به

باطل» همچنان پا برجاست. دقت نظر در شناسایی چگونگی فعالیت و ماهیت این گونه شرکت‌ها، نقش مهمی در استدلال و صدور حکم شرعی درباره آنها دارد.

ه) **وجه التزام تأخیر تأدیه:** مسئله مطالبه‌های معوق یکی از چالش‌های اساسی نظام بانکی کشور است و طراحی شیوه‌های مشروع و کارا برای حل این مشکل ضرورتی غیرقابل انکار است. یکی از راهکارهای مطرح شده در این باره تصویب قانون‌های با عنوان «جریمه تأخیر تأدیه» و «خسارت تأخیر تأدیه» درباره بدهکارانی است که بدهی خود را به‌موقع نمی‌پردازند. مطالعه تاریخی نشان می‌دهد که به تناسب وضعیت اجتماعی به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی این قانون‌ها تغییر و تحول‌های فراوانی داشته‌اند (موسویان، ۱۳۸۴، ص ۱۳). با تأیید شورای نگهبان (۲۸ بهمن ۱۳۶۱)، دریافت مبلغی به‌عنوان جریمه تأخیر تأدیه در قراردادهای بانکی در صورتی که به‌عنوان شرط ضمن عقد در متن قراردادها آمده باشد، مجاز است. این شیوه عملیاتی، واپسین و مهم‌ترین دیدگاه ارائه شده به‌وسیله شورای نگهبان و مبنای عمل کرد نظام بانکی کشور است. با وجود این، برخی فقیهان دریافت جریمه تأخیر به این شیوه را مشروع نمی‌دانند؛ از این رو به‌رغم ارائه راهکارهای دیگر برای حل مشکل جریمه تأخیر از سوی پژوهشگران، هنوز هم راهکار جامعی به این منظور ارائه نشده است. به نظر می‌رسد زمانی می‌توان به یک راهکار مشروع و مقبول دست یافت که افزون بر رعایت احکام فقهی، به حکمت تحریم ربا، ماهیت انتفاعی و واسطه‌گر بانک، ضرورت تفکیک بین مشتریان گوناگون، حکمت حلیت خرید و فروش‌های به ظاهر مشابه ربا - مانند مرابحه - ساختار بازارهای مالی اسلامی، شیوه‌های حمایت از قشرهای آسیب‌پذیر و مسئولیت‌های دولت اسلامی - از جمله مسئولیت پرداخت بدهی بدهکاران درمانده و ... همه با هم توجه شود (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳، ص ۴۵۰).

موارد پیش‌گفته به همراه موارد دیگری مانند قراردادهای آتی، اختیار معامله، سوآپ و اوراق بهادار ترکیبی که طرح آنها از حوصله مقاله پیش رو خارج است، به‌عنوان نمونه‌هایی از موضوع‌های مطرح در دانش مالی و اقتصاد نشان می‌دهند که این‌گونه موضوع‌ها، حساسیت‌ها و ظرافت‌های ویژه‌ای دارند و لازمه صدور حکم درباره آنها، شناخت دقیق ماهیت موضوع و بررسی پیچیدگی‌ها و بُعدهای فرعی آنهاست.

این نکته که برخی می‌گویند، تشخیص موضوع کار مقلد است و شأن فقیه، بیان حکم است، مسئله‌ای اشتباه و انحرافی است و هیچ فقیه بادرایتی نه از فقیهان گذشته و نه معاصر، چنین سخنی را مطرح نمی‌کند؛ بلکه در تمام موارد، فقیهان موضوع‌ها را تشخیص داده سپس حکم صادر می‌کنند (نوابی، ۱۳۸۱، ص ۵). البته تطبیق موضوع بر مصداق‌های آن به تناسب مورد با عرف خاص یا عام خواهد بود و این غیر از موضوع‌شناسی است؛ بنابراین اگر شخص فقیه موضوع را شناسایی کند، در مقام استنباط با اشراف و آگاهی بیشتری فتوا صادر خواهد کرد و آشنایی فقیه با علوم جدید در فرایند عمل اجتهاد و برداشت‌های مطلوب و بایسته فقهی نقش مهمی دارد. با وجود این، به علت گسترده‌شدن شاخه‌های علوم و بروز مسائل مستحدثه به‌طور فزاینده در عصر کنونی، موضوع‌شناسی در حیطه‌های گوناگون علوم به‌تنهایی به‌وسیله مراجع عظام تقلید، امری دشوار و گاه ناممکن است. در این موارد نیازمند راهکار دیگری می‌باشد که پژوهش پیش رو در صدد ارائه یکی از آن راهکارهاست.

با توجه به مطلب‌هایی که درباره موضوع‌شناسی مطرح شد، موضوع‌های مورد توجه فقه به سه گروه تقسیم می‌شوند:

الف) موضوع‌های شرعی که به‌وسیله خود شریعت تعریف شده‌اند؛ مانند حد سفر شرعی در مسافرت یا نصاب شرعی در زکات که باید به روش اجتهادی از متن‌های شرعی استنباط شوند؛ ب) موضوع‌های عرف عام که در لسان ادله شرعی به صورت عام به کار گرفته شده و برای تشخیص آن به عرف عام مراجعه می‌شود؛ ج) موضوع‌های تخصصی که در تحلیل آنها باید به کارشناسان آن رشته مراجعه کرد.

مقصود تحقیق پیش رو موضوع‌های گروه سوم است که در تبیین و تحلیل آنها باید به خبرگان فقه اقتصادی مراجعه کرد؛ کسانی که از یک‌سو به‌صورت تخصصی با دانش اقتصاد آشنا هستند و از سوی دیگر توجه به بُعدهای فقهی مسئله دارند.

آسیب‌شناسی پژوهش‌های فقه اقتصادی و مالی اسلامی

به‌منظور آسیب‌شناسی پژوهش‌های فقه اقتصادی و مالی اسلامی از دید روش پژوهش، نمونه‌ای متشکل از مقاله‌های منتشرشده در نشریه‌های علمی پژوهشی معتبر داخلی بررسی شد. به این منظور شش نشریه که بیشترین حجم انتشار مقاله‌های مرتبط با فقه اقتصادی و مالی اسلامی را به خود اختصاص داده‌اند بررسی شدند. کوشیده شده است تا حد امکان

تمام مقاله‌های مرتبط در این نشریه‌ها طی تمام دوره‌های منتشرشده، در نظر گرفته شوند. همچنین در بین مقاله‌های بررسی‌شده، مقاله‌هایی انتخاب شده است که ارتباط بیشتری با بحث‌های فقه اقتصادی و مالی اسلامی داشته و به‌طور عمده نیازمند بررسی فقهی بوده‌اند. بنابراین مقاله‌هایی که بحث‌های اقتصاد و مالی اسلامی در آنها به‌صورت حاشیه‌ای مطرح شده یا بحث‌های فقهی در آنها جایگاه چندانی نداشته‌اند، جزو نمونه پژوهش قرار نگرفته‌اند. عنوان‌های نشریه‌ها و تعداد مقاله‌های بررسی‌شده در هر یک از آنان، در جدول یک نشان داده شده است.

بررسی نمونه پژوهش نشان می‌دهد، حدود ۴۷ درصد از مقاله‌های اقتصاد و مالی اسلامی، فاقد روش پژوهش مشخص هستند. نخستین نکته‌ای که در این مقاله‌ها درباره روش پژوهش قابل توجه است، کثرت روش‌های مورد استفاده با عنوان‌های گوناگون است. برخی از این روش‌ها که در مقاله‌های گوناگون استفاده شده‌اند، توصیفی تحلیلی، توصیفی تحلیلی و اسنادی، توصیفی تحلیلی استنباطی، توصیفی اکتشافی، تحلیلی اکتشافی، اکتشافی کاربردی، تحلیلی کاربردی، تحلیل منطقی، تفسیری، تحلیلی استنباطی، کتابخانه‌ای، نظرسنجی از خبرگان، مطالعه تطبیقی، تحلیلی سیستمی، اجتهادی، فقهی اجتهادی، فقهی تحلیلی، کشفی، داده‌بنیاد، تحلیل محتوا و ... است.

در جدول یک، روش‌هایی که به یکدیگر شباهت داشتند و با عنوان‌های گوناگون در مقاله‌ها بیان شده‌اند، در حد امکان با یک عنوان بیان شده‌اند. بیشترین روش پژوهش مورد استفاده در مقاله‌های مرتبط به اقتصاد و مالی اسلامی به روش توصیفی تحلیلی مربوط است. برخی از این روش‌ها نیز به جنبه‌های غیرفقهی مقاله‌ها مربوط است؛ اما به‌عنوان روش کلی مقاله معرفی شده است. برخی از آنها نیز فقط ابزار گردآوری داده‌ها شمرده می‌شود و به‌عنوان روش پژوهش در نظر گرفته نمی‌شود؛ مانند روش کتابخانه‌ای و نظرسنجی از خبرگان. برخی روش‌ها حتی در حد عنوان، در کمتر کتاب روش پژوهش یافت می‌شود و پژوهشگران برای تبیین آن روش به منبع مشخصی ارجاع نداده‌اند.

به بیان دیگر، نوعی از هم‌گسینختگی و عدم انسجام در بررسی موضوع‌های اقتصادی از لحاظ فقهی در پژوهش‌های این حوزه به چشم می‌خورد و این امر ضرورت طراحی و به‌کارگیری الگوی مسنجم و قابل قبول را به منظور بررسی روشمند و دقیق‌تر مسائل فقه

اقتصادی آشکار می‌سازد؛ از این رو در بخش بعد، روش اجتهاد چندمرحله‌ای در فقه اقتصادی معرفی و مرحله آن تشریح می‌شود.

جدول ۱: روش پژوهش مقاله‌های مرتبط با اقتصاد و مالی اسلامی در نشریه‌های پژوهشی مورد بررسی

عنوان نشریه روش	اقتصاد اسلامی	تحقیقات مالی اسلامی	مطالعات اقتصاد اسلامی	معرفت اقتصاد اسلامی	بورس اوراق بهادار	جستارهای اقتصادی ایران	مجموع
توصیفی تحلیلی	۲۰	۰	۱	۳	۰	۵	۲۹
توصیفی	۴	۱	۰	۱	۰	۱	۷
توصیفی اکتشافی	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۲
اکتشافی کاربردی	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱
تحلیلی اکتشافی	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱
تحلیلی کاربردی	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱
تحلیلی استنباطی	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱
تحلیل منطقی	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱
تفسیری	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱
نظرسنجی از خبرگان	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱
کتابخانه‌ای	۴	۰	۰	۲	۲	۰	۸
تحلیل محتوا	۲	۰	۰	۰	۰	۲	۴
مطالعه تطبیقی	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۳
تحلیلی سیستمی	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱
فقهی	۰	۰	۰	۳	۰	۰	۳
اجتهادی	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱
بدون روش پژوهش	۲۹	۷	۶	۲	۳	۱۱	۵۸
مجموع	۶۶	۱۰	۹	۱۳	۶	۱۹	۱۲۳

معرفی الگوی اجتهاد چندمرحله‌ای در فقه اقتصادی

چالشی که به صورت مشخص پژوهش‌های فقه اقتصادی با آن روبه‌رو هستند، بین‌رشته‌ای بودن موضوع‌هاست. از یک سو پژوهشگران عرصه اقتصاد و مالی اسلامی، تسلط کافی بر ظرافت‌های فقهی ندارند و اگر هم بخواهند موضوع‌ها را برای مراجع تقلید تبیین کنند، آشنایی به حساسیت‌های لازم فقهی را ندارند. از سوی دیگر، همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، به علت تنوع و تکثر علوم و دانش بشری در حوزه‌های گوناگون و افزایش پیچیدگی

روزمه آن، امکان موضوع‌شناسی عمیق در تمام رشته‌های علوم و از جمله اقتصاد و مالی اسلامی برای مراجع عظام تقلید وجود ندارد؛ در نتیجه نمی‌توان به پاسخ استفتائی ساده که بسیاری از جزئیات موضوع اقتصادی در آن باز نشده، اعتماد کرد. از این رو مناسب است تا با پدیدآوردن حلقه‌ای واسط از خبرگان فقه اقتصادی بین مراجع عظام تقلید و پژوهشگر فقه اقتصادی با روش دقیق‌تری به بررسی موضوع‌ها پرداخته شود. بر این اساس الگوی اجتهاد چندمرحله‌ای در فقه اقتصادی با پدیدساختن این حلقه واسط می‌کوشد از یک سو به پژوهشگر برای دستیابی به بینش فقهی عمیق‌تر کمک کند و از سوی دیگر فرایند موضوع‌شناسی در مسائل اقتصادی را برای فقیهان و مراجع عظام تقلید تسهیل کند. در ادامه مرحله‌های اصلی الگوی اجتهاد چندمرحله‌ای در فقه اقتصادی تبیین می‌شود.

مرحله‌های الگوی اجتهاد چندمرحله‌ای در فقه اقتصادی

۱. شناسایی و انتخاب موضوع اقتصادی و مالی: در گام نخست، پژوهشگر بر اساس شناخت خود از موضوع‌های مطرح درباره اقتصاد و مالی به انتخاب موضوع می‌پردازد. گرچه ملاک و معیار مشخصی برای اطمینان از تشخیص دقیق موضوع به‌وسیله پژوهشگر وجود ندارد، اما لازم است در انتخاب موضوع، عامل‌هایی مانند علاقه‌مندی و توانایی پژوهشگر، خلاقانه و بدیع بودن موضوع، پیشینه تحقیق، سطح دسترسی به منابع، نیازسنجی، کاربردپذیری و مانند آن مد نظر قرار گیرد. همچنین سازوکار تعریف‌شده در مرحله‌های بعدی به‌گونه‌ای است که در صورت وجود اشکال در موضوع انتخاب‌شده و تشخیص آن به‌وسیله خبرگان، پژوهشگر با بازگشت به این مرحله، انتخاب موضوع را با دقت بیشتری باید انجام دهد. درباره انتخاب موضوع دو نکته مهم قابل توجه است:

الف) اینکه پژوهشگری که مایل به انجام پژوهش درباره فقه اقتصادی و مالی است باید دانش اقتصادی و مالی متعارف در آن حوزه پژوهشی را به‌خوبی بشناسد تا با شناخت کامل از ماهیت موضوع در دانش متعارف به بررسی آن در حوزه اسلامی بپردازد؛

ب) لازم است پژوهشگر حوزه اقتصاد اسلامی، دست‌کم آشنایی نسبی با بحث‌های فقه اقتصادی داشته باشد و این‌گونه نباشد که بدون هیچ مطالعه و سابقه پیشین در این عرصه قدم بگذارد؛ زیرا در غیر این صورت ممکن است به نتیجه‌هایی دست یابد که با اصول و مبانی شریعت اسلام سازگار نباشد یا اعتبار کافی نداشته نباشد.

۲. تعیین بُدهای فقهی موضوع اقتصادی و مالی: در این مرحله، جنبه‌های فقهی موضوع مشخص می‌شود و در حد امکان به صورت پرسش‌های مشخص جهت شفاف‌شدن موضوع برای پژوهشگر مطرح می‌شود. هر چه در این مرحله پرسش‌های دقیق‌تری مطرح شود در ارزیابی و حصول نتیجه کار پژوهشگر آسان‌تر می‌شود.

۳. بررسی مستندهای فقهی درباره موضوع: پس از تبیین بُدهای فقهی موضوع، پژوهشگر باید مستندهای فقهی موجود درباره موضوع را بررسی کند. این مستندها شامل کتاب‌های فقهی مشهور، پژوهش‌های فقهی مرتبط با موضوع و به‌طور کلی هر گونه منبع معتبری است که بتوان با استفاده از آن بُدهای فقهی موضوع را واکاوی کرد. در این جهت مناسب است پژوهشگر به پژوهش‌هایی که در موارد دیگر به بررسی فقهی موضوع اقتصادی مشابه پرداخته‌اند، مراجعه کند و با آگاهی نسبت به چگونگی استدلال آنها، در صورت لزوم از فرایند یا نتیجه‌های آنها نیز استفاده کند.

هر چند نمی‌توان معیار کمی مشخصی برای کفایت بررسی مطرح کرد، اما از آنجا که هدف پژوهش‌های کیفی، توصیف یا تبیین یک پدیده به مشروح‌ترین شکل ممکن است، بررسی مستندها باید تا زمانی ادامه یابد که به حد کفایت یا اشباع نظری برسد. اشباع نظری، قضاوتی است که در آن پژوهشگر با تمرکز بر منابع و مستندهای قابل بررسی به این جمع‌بندی می‌رسد که نیاز به جمع‌آوری اطلاعات بیشتر وجود ندارد و بررسی مستندهای بیشتر، اطلاعات قابل توجه بیشتری فراهم نمی‌کند (Cohen et al., 2011, p.161).

۴. تطبیق بُدهای فقهی موضوع با مستندهای فقهی: در این مرحله، پژوهشگر بر اساس شناخت ماهیت موضوع و منابع فقهی بررسی‌شده، جنبه‌های فقهی موضوع را با نظرهای موجود در آن‌باره محک می‌زند و بر اساس استدلال‌های منطقی مبتنی بر منابع فقهی، به تطبیق بُدهای فقهی موضوع با مستندهای فقهی و طرح دیدگاه خود - که برخاسته از بررسی فقهی است - می‌پردازد. از آنجا که ممکن است پژوهشگر به علت عدم کاوش فقهی عمیق و ناآشنایی با برخی جنبه‌های ظریف در تطبیق موضوع اشتباه کرده باشد، در مرحله بعد با کمک خبرگان فقه اقتصادی به تقویت یا اصلاح دیدگاه خود می‌پردازد.

۵. انتخاب خبرگان فقه اقتصادی: در این مرحله پژوهشگر باید موضوع را در معرض نظرهای خبرگان فقهی آشنا به بحث‌های اقتصادی و مالی قرار دهد. انتخاب خبرگان فقهی

با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند انجام می‌شود. نمونه‌گیری هدفمند که به آن نمونه‌گیری غیراحتمالی، هدف‌دار یا کیفی می‌گویند به معنای انتخاب هدف‌دار واحدهای پژوهش برای کسب دانش یا اطلاعات است (Tashakkori & Teddlie, 2010, p.354). منظور از خبرگان فقهی در این مرحله، متخصصان حوزه فقه اقتصادی هستند که واجد دست‌کم دو شرط از موارد ذیل می‌شوند:

۱. داشتن دست‌کم مدرک سطح ۴ تحصیلات حوزوی؛
۲. داشتن دست‌کم مدرک کارشناسی ارشد رشته‌های مرتبط با اقتصاد یا مالی؛
۳. داشتن دست‌کم پنج مقاله پژوهشی یا کتاب در حوزه فقه اقتصادی؛
۴. عضویت در شورای فقهی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛
۵. عضویت در کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار؛
۶. داشتن حُسن شهرت به‌عنوان صاحب‌نظر فقه اقتصادی.

خبرگان فقه اقتصادی به‌عنوان حلقه واسط بین پژوهشگر و مراجع تقلید از یک‌سو به تقویت واکاوی فقهی و فهم عمیق پژوهشگر در حوزه فقه اقتصادی و از سوی دیگر به تسهیل فرایند موضوع‌شناسی برای مراجع عظام تقلید کمک می‌کنند. در صورت وجود تعداد خبرگان کافی تا زمانی که به حد اشباع نظری برسد، مصاحبه با خبرگان ادامه می‌یابد و دست‌کم پنج نفر خبره باید انتخاب شود؛ روشن است هر چه پیچیدگی موضوع بیشتر باشد، انتخاب بیشتر خبرگان ضروری‌تر می‌شود و بر اعتبار نتیجه‌ها می‌افزاید.

۶. گردآوری و جمع‌بندی نظرهای خبرگان فقه اقتصادی: در این مرحله می‌توان از روش‌های متداول که در پژوهش‌های کیفی رایج است، برای جمع‌آوری نظرهای خبرگان استفاده کرد؛ به طور مثال، روش‌هایی مانند طوفان فکری، دلفی، گروه کانونی و مانند آن می‌توانند در گردآوری نظرهای صاحب‌نظران و تحلیل آنها در کنار الگوی معرفی‌شده مفید باشند؛ پس از گردآوری و جمع‌بندی آرای نهایی، دو حالت ممکن است پدید آید:

- الف) موافقت اکثریت خبرگان با دیدگاه پژوهشگر:** در این حالت با توجه به پشتوانه مستحکم‌تری که دیدگاه پژوهشگر پیدا کرده و موضوع از جهت فقهی بهتر تبیین شده، جمع‌بندی نظرها به همراه چکیده ادله، جهت استفتا به مراجع تقلید ارائه می‌شود؛
- ب) عدم موافقت اکثریت خبرگان با دیدگاه پژوهشگر:** در این صورت نظرهای خبرگان مخالف به همراه ادله آنها، به خبرگان موافق ارائه می‌شود. اگر خبرگان موافق با آگاهی از

نظرهای مخالفان، نظر خود را تغییر دادند و آنها نیز به مخالف تبدیل شدند؛ به طوری که اکثریت خبرگان با دیدگاه پژوهشگر مخالف بودند، دیدگاه وی رد می‌شود. در صورتی که اشکال از چگونگی انتخاب موضوع به وسیله پژوهشگر باشد باید با رجوع به مرحله نخست با دقت بیشتری موضوع را انتخاب کند و در صورتی که مشکل از بررسی مستندها باشد باید با رجوع به مرحله سوم و بررسی عمیق‌تر، دیدگاه خود را اصلاح کند یا با ادله محکم‌تر و به صورت مستدل‌تر دیدگاه خود را دوباره در معرض نظرهای خبرگان قرار دهد. در صورتی که خبرگان موافق با آگاهی از نظرهای مخالفان، نظر خود را تغییر ندادند، جمع‌بندی همه تمام نظرها به همراه چکیده ادله، جهت استفتا به مراجع تقلید ارائه می‌شود.

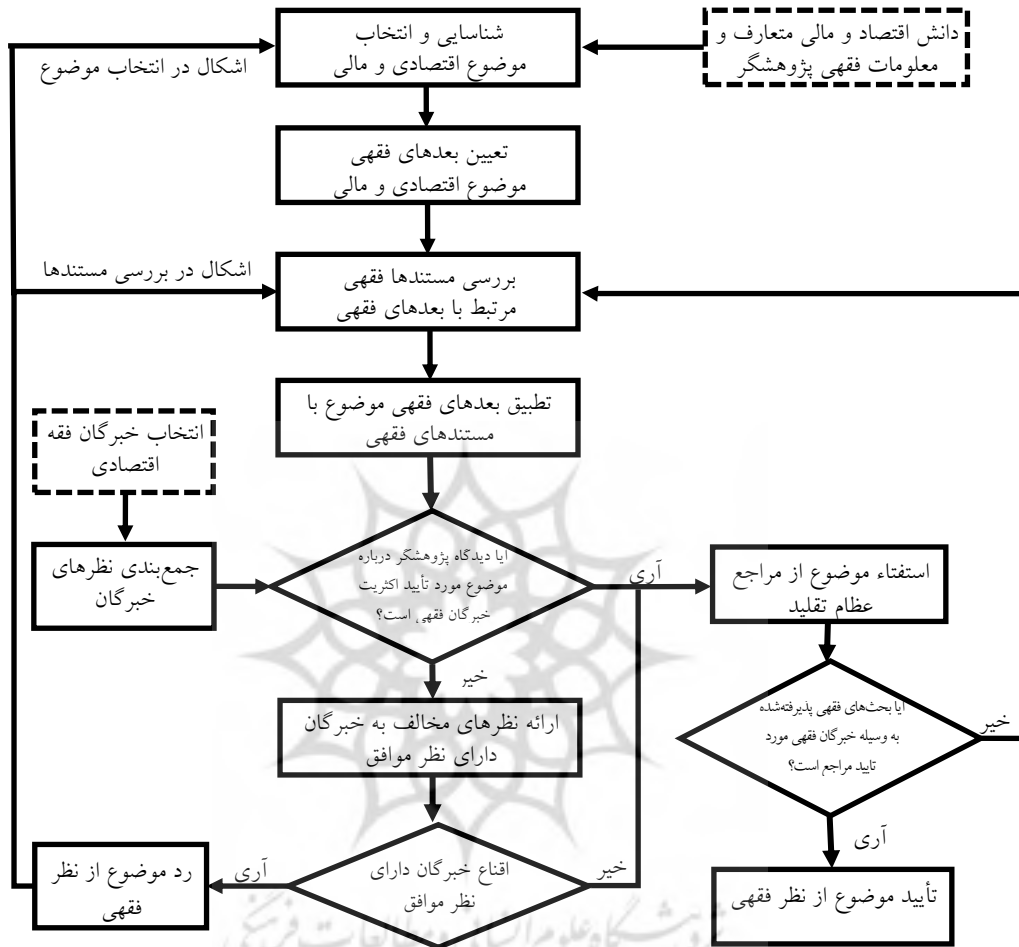
۷. دریافت نظرهای مراجع عظام تقلید: در این مرحله دیدگاه پژوهشگر همراه با

توضیح‌های موضوع‌شناسی و دیدگاه خبرگان فقه اقتصادی جهت استفتا به مراجع عظام تقلید - دست‌کم نه نفر از مراجع معروف - ارائه می‌شود. در صورت تأیید اکثریت مراجع، دیدگاه پژوهشگر تأیید می‌شود؛ در غیر این صورت دیدگاه وی رد می‌شود. در صورت رد اگر اشکال از چگونگی انتخاب موضوع باشد، پژوهشگر باید با رجوع به مرحله نخست با دقت بیشتری موضوع را انتخاب کند و اگر مشکل از بررسی مستندها باشد باید با رجوع به مرحله سوم و انجام بررسی عمیق‌تر، دیدگاه را اصلاح کند یا با ادله محکم‌تر و مستدل‌تر دیدگاه خود را دوباره در معرض نظرهای خبرگان فقه اقتصادی قرار دهد.

در صورت تأیید دیدگاه پژوهشگر به وسیله اکثریت مراجع تقلید، پژوهشگر می‌تواند تحلیل خود از جمع‌بندی نظرهای فقیهان را که بر اساس اجتهاد به دست آمده، در نتیجه‌های پژوهش گزارش دهد. در این جهت لازم است مستندهای استفتا از مراجع جهت افزایش اعتبار نتیجه‌های ارائه شده و نیز استفاده پژوهشگران بعدی به پژوهش پیوست شود.

در این مرحله بیش از کمیت، کیفیت پاسخ مراجع است که باعث اطمینان به حکم شرعی می‌شود. هر چه پاسخ‌ها به هم نزدیک و هم جهت باشند نشان‌دهنده آن است که مرحله‌های اجتهاد اعم از موضوع‌شناسی، تبیین بُعدهای فقهی موضوع و مرحله حکم‌شناسی کامل است و در نقطه برابر، هر چه پاسخ‌ها غیر هم‌جهت و دور از هم باشند، نشان‌دهنده این است که برخی از مرحله‌های اجتهاد نقصان دارد و باید یا تعداد مراجع تقلید را اضافه کرد یا در مرحله‌های پیش از استفتا بازنگری کرد. الگوی عملیاتی روش اجتهاد چندمرحله‌ای در فقه اقتصادی به طور مختصر در قالب شکل یک توضیح داده شده است.

شکل ۱: روش اجتهاد چندمرحله‌ای در فقه اقتصادی



به منظور تبیین بهتر الگوی اجتهاد چندمرحله‌ای در فقه اقتصادی، این روش در قالب یک مثال توضیح داده می‌شود. فرض کنید پژوهشگری در مطالعه‌های خود با ابزار مالی جدیدی به نام «سوآپ نکول اعتباری» (Credit Default Swap) در حوزه «مشتقات اعتباری» (Credit Derivatives) در دانش مالی متعارف روبه‌رو شود و بخواهد این ابزار را از نظر فقه اقتصادی و مالی بررسی و حکم استفاده از این ابزار مالی از نظر فقه امامیه را استخراج کند. در این صورت لازم است ابتدا بُعدهای گوناگون سوآپ نکول اعتباری در دانش مالی متعارف را بشناسد و اشراف کاملی نسبت به مفهوم، پیشینه، کارکرد و دیگر بُعدهای این ابزار مالی پیدا کند؛ سپس موضوع «بررسی فقهی و مالی سوآپ نکول اعتباری

از دیدگاه فقه امامیه» به وسیله پژوهشگر انتخاب می‌شود تا با اتکا به دانش خود درباره مالی متعارف و مالی اسلامی و بهره‌مندی از منابع پژوهش به اجرای پژوهش بپردازد. با توجه به موضوع مطرح شده در مرحله اول، بررسی جنبه‌های فقهی در ابزار سوآپ نکول اعتباری باید مد نظر قرار گیرد. به این منظور لازم است پیشینه پژوهش‌های مرتبط با بررسی فقهی ابزارهای مشابه سوآپ نکول اعتباری بررسی شود و پژوهشگر حیطه موضوع و نوآوری خود را مشخص کند. بر اساس ضوابط عمومی و اختصاصی قراردادها، برخی از جنبه‌های فقهی مانند بررسی قاعده اصل صحت، بررسی قاعده ممنوعیت ربا، بررسی قاعده ممنوعیت غرر در سوآپ نکول اعتباری و ... قابل بررسی می‌باشد، در این جهت ممکن است بعد از بررسی اولیه مشاهده کند بحث غرر جدی است.

پژوهشگر با مراجعه به منابع فقهی موجود، ابتدا به‌طور مختصر مفهوم غرر را در منابع فقهی گوناگون بررسی می‌کند و دیدگاه منتخب خود درباره غرر را مشخص می‌کند - به طور مثال، تعریف و شرایط غرری بودن معامله در نگاه فقیهان مشهور شیعه را ملاک قرار می‌دهد - و با بررسی ماهیت سوآپ نکول اعتباری و سازوکار انتشار آن در نظام مالی متعارف، استدلال می‌کند که با توجه به تعریف غرر در منابع فقهی و نظر مشهور فقیهان شیعه، به‌علت مشابهت آن با قرارداد بیمه، مشکل غرر در این ابزار وجود ندارد؛ سپس تعداد کافی - به طور مثال، هفت نفر - از خبرگان فقه اقتصادی را بر اساس ملاک‌های مطرح شده انتخاب می‌کند و با انجام مصاحبه‌های حضوری و غیرحضوری، دیدگاه خود درباره غرری بودن سوآپ نکول اعتباری با آنها در میان می‌گذارد و نظرهای هر یک از آنان را جویا می‌شود. در صورت نیاز، پژوهشگر می‌تواند با برگزاری یک یا چند نشست مشترک بین خبرگان، امکان تضارب نظرها را بهتر فراهم سازد.

پس از جمع‌آوری نظرهای خبرگان و جمع‌بندی آنها مشخص می‌شود که چهار نفر از آنان، دیدگاه پژوهشگر را تأیید نمی‌کنند و باور دارند در این ابزار به‌علت عدم اطمینان نامعقول، مشکل غرر وجود دارد؛ بنابراین پژوهشگر، استدلال مخالفان - قائلان به غرری بودن - را به موافقان ارائه می‌کند. با وجود این، موافقان استدلال مخالفان را نمی‌پذیرند؛ در نتیجه جهت دریافت فتوا، موضوع همراه با استدلال موافقان و مخالفان به نه نفر از مراجع عظام تقلید عرضه می‌شود. در صورتی که اکثریت مراجع عظام تقلید،

غرری نبودن سواب نکول اعتباری را تأیید کنند، دیدگاه پژوهشگر تأیید می‌شود؛ در غیر این صورت دیدگاه وی رد می‌شود و غرری بودن این ابزار مالی با توجه به نظر اکثریت مراجع عظام تقلید، مشخص می‌شود. در صورتی که پژوهشگر بر دیدگاه خود اصرار دارد می‌تواند با بررسی بیشتر موضوع و تجدید نظر در چگونگی استدلال یا تبیین موضوع، بار دیگر فرایند پیش‌گفته را تکرار کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فقه اقتصادی، مجموعه‌ای از قاعده‌ها و بحث‌های فقهی درباره امور اقتصادی و مالی است که به‌وسیله فقیهان متقدم و متأخر مطرح شده است. با توجه به اهمیت امور اقتصادی در قوام جوامع و نقش آن در سرنوشت مادی و معنوی افراد، لازم است با حساسیت و ظرافت بیشتری به بحث‌های فقه اقتصادی پرداخته شود. در هر یک از شاخه‌های علوم، داشتن روش پژوهش منسجم و منظم می‌تواند باعث دست‌یابی به نتیجه‌های بهتر و قابل اتکا شود. دانش اقتصاد به‌ویژه در حوزه کاربردی مالی به‌عنوان یکی از شاخه‌های علوم انسانی که در چند دهه گذشته روند روبه‌رشد سریعی را طی کرده، با نوآوری‌های فراوانی روبه‌رو است و در این میان، مالی اسلامی به‌عنوان یکی از شاخه‌های دانش مالی توجه بسیاری از مسلمانان و حتی غیرمسلمانان را به خود جذب کرده است.

بررسی‌های صورت‌گرفته در مقاله پیش رو نشان داد پژوهشگران عرصه اقتصاد و مالی به منظور بررسی فقهی موضوع‌های مطرح در اقتصاد و مالی متعارف یا طراحی شیوه‌ها و ابزارهای نوین در اقتصاد اسلامی از روش‌ها و رویکردهای گوناگونی در پژوهش‌های خود استفاده می‌کنند و گاه حتی بدون روش مشخص به انجام پژوهش مبادرت می‌کنند که این امر باعث کاهش اعتبار نتیجه‌ها و بروز تناقض در نتیجه‌های پژوهش‌های گوناگون می‌شود. فلسفه طرح روش اجتهاد چندمرحله‌ای در فقه اقتصادی بر دو نکته استوار است: الف) بیشتر پژوهشگران عرصه اقتصاد و مالی اسلامی، تسلط کافی بر ظرافت‌های فقهی ندارند و اگر هم بخواهند موضوع‌ها را برای مراجع تقلید تبیین کنند آشنایی به حساسیت‌های لازم فقهی را ندارند. از سوی دیگر، به علت تنوع و تکرر علوم و دانش بشری در حوزه‌های گوناگون و افزایش پیچیدگی روزمره آن، امکان موضوع‌شناسی عمیق در تمام رشته‌های

علوم و از جمله دانش اقتصاد برای مراجع تقلید وجود ندارد؛ در نتیجه نمی‌توان به پاسخ استفتائی ساده که بسیاری از جزئیات موضوع در آن باز نشده، اعتماد کرد.

از این رو مناسب است تا با پدیدساختن حلقه‌ای واسط از خبرگان فقه اقتصادی بین مراجع تقلید و پژوهشگر با روش دقیق‌تری به بررسی موضوع‌های فقه اقتصادی پرداخت. در مقاله پیش رو با معرفی روش اجتهاد چندمرحله‌ای در بررسی مسائل فقه اقتصادی، کوشیده شد ابزار مناسبی به پژوهشگران فقه اقتصادی به منظور بررسی موضوع‌های مطرح در این حوزه ارائه شود و پژوهشگران بتوانند با انتخاب این روش به نتیجه‌های معتبری دست پیدا کنند.

گفتنی است این رویکرد را می‌توان در دیگر شاخه‌های علوم انسانی نیز با توجه به هدف‌ها و ویژگی‌های هر رشته استفاده کرد. اجرای این رویکرد ممکن است با برخی چالش‌ها به‌ویژه در حوزه عمل روبه‌رو باشد که برخی از آنها به همراه پیشنهادهایی برای رفع چالش‌ها به شرح ذیل مطرح شده است:

۱. **محدود بودن تعداد خبرگان فقه اقتصادی:** گرچه در سالیان اخیر پیشرفت خوبی درباره ترتیب متخصصان فقه اقتصادی وجود داشته، اما هنوز هم تعداد خبرگان فقه اقتصادی در کشور محدود بوده و با توجه به کثرت پژوهش‌های این حوزه، امکان بهره‌مندی همه پژوهشگران از صاحب‌نظران فقه اقتصادی وجود ندارد. در این جهت لازم است برنامه‌هایی در جهت تربیت متخصصان فقه اقتصادی به‌ویژه از سوی حوزه‌های علمیه طراحی شود و افراد توانمند و علاقه‌مند به بحث‌های اقتصاد و مالی به‌طور تخصصی و حتی در طی گذراندن تحصیلات حوزوی با بحث‌های اقتصادی و مالی آشنا شوند. گفتنی است برخی اندیشه‌وران اسلامی مانند شهید مطهری^ع بر اساس ضرورت تقسیم کار در فقه و پدیدآمدن رشته‌های تخصصی، پیشنهاد تجزی اجتهاد را مطرح کرده‌اند. هر چند این دیدگاه تاکنون وجه غالب پیدا نکرده و دیدگاه‌های موافق و مخالف آن وجود دارد، اما به نظر می‌رسد گسترش دایره علوم در شاخه‌های گوناگون و سرعت تغییر و تحول‌ها در هر یک از شاخه‌های علوم، ضرورت بررسی دقیق‌تر این پیشنهاد را بیش از پیش آشکار ساخته است.

۲. **زمان بر بودن پژوهش:** هر چند انجام پژوهشی باکیفیت، مستلزم حوصله و صرف زمان کافی است، اما باید در حد امکان در وقت صرفه‌جویی کرد. در روش اجتهاد چندمرحله‌ای، جمع‌آوری نظرهای خبرگان فقهی و مراجع تقلید، ممکن است به طول بینجامد؛ از این رو

پیشنهاد می‌شود پژوهشگران اقتصاد و مالی اسلامی تا حد امکان از بسترهای الکترونیکی جهت تسریع در جمع‌آوری نظرها استفاده کنند. به‌علت حساسیت و اهمیت موضوع‌های اقتصادی و مالی و اثرهای مادی و معنوی آن در زندگی افراد جامعه، در نظر گرفتن تمهیدها و اقدام‌های مناسب از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط شامل دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، نهادهای مقررات‌گذار اقتصادی و مالی مانند بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار و ... نقش اثرگذاری در تسهیل و تسریع دسترسی به خبرگان فقه اقتصادی خواهد داشت.

در پایان باید یادآور شد که این روش به‌عنوان روش نهایی نیست و پژوهشگران دیگر می‌توانند با اصلاح کاستی‌های احتمالی بر قوت و اعتبار آن بیفزایند. در حقیقت زمانی می‌توان از این روش به‌عنوان رویکرد عمومی و قابل قبول در پژوهش‌های فقه اقتصادی استفاده کرد که در عمل آزمون و به دفعات کارایی آن اثبات شود.

منابع و مأخذ

۱. ابن‌اثیر، مبارک‌بن محمد؛ *النهاية في غريب الحديث و الاثر*؛ به‌کوشش محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی؛ قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
۲. اسکینی، ربیعا و مهرداد مهربخش؛ «بررسی فقهی حقوقی شرکت‌های هرمی»؛ *فصلنامه حقوق*، دوره ۴۲، ش ۱، ۱۳۹۱.
۳. انصاری، مرتضی؛ *فرائد الاصول*؛ ج ۱، قم: مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۱۹ق.
۴. ایوان کیفی ورامینی (اصفهانی)، محمدحسین؛ *الفصول الغرویه فی الاصول الفقهیه*؛ ج ۱، قم: داراحیاء العلوم الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۵. جوادی آملی، عبدالله؛ «اجتهاد و فقاہت»؛ *روزنامه رسالت*، ش ۶۲۲۲، ۲۷ مرداد ۱۳۸۶.
۶. _____؛ *مفاتیح الحیاه*؛ قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۱.
۷. حرّ عاملی، محمدبن‌حسن؛ *وسائل الشیعه*؛ ج ۱، بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ق.
۸. حسنی، سیدحمیدرضا و مهدی علی‌پور؛ «روش‌شناسی اجتهاد و اعتبارسنجی معرفتی آن»؛ *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۵۰، ۱۳۸۶.
۹. حسینی فاضل، سیدمرتضی؛ *احکام مالی*؛ تهران: انتشارات زمزم هدایت، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۹۰.

۱۰. حکیم، سیدمحسن؛ مستمسک العروة الوثقی؛ ج ۱، [بی‌جا]: مکتبه السید المرعشی رحمته، ۱۴۰۴ق.
۱۱. حلّی، جعفر بن حسن (محقق حلّی)؛ شرایع الاسلام؛ بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ به کوشش صفوان عدنان داوودی؛ چ ۱، دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۱۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ مسالک الافهام؛ ج ۳؛ چ ۱، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۴ق.
۱۴. صدر، سیدمحمدباقر؛ دروس فی علم الاصول؛ ج ۱، چ ۲، بیروت: دار الکتب اللبنانی، مکتبه المدرسه، ۱۴۰۶ق.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، بازرگان، مهدی و سیدابوالفضل موسوی مجتهد زنجانی؛ بحثی درباره مرجعیت و روحانیت؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۱.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالمعرفه، افست، تهران: ناخر خسرو، ۱۴۰۶ق.
۱۷. عبداللهی، یحیی؛ «رابطه فقه حکومتی و نظام‌سازی با دولت اسلامی»؛ پایگاه تخصصی فقه حکومتی (www.fiqhehokomati.ir)، ۱۳۹۴/۱۲/۱۶.
۱۸. غلامی، نجف‌علی و منصور میراحمدی؛ «فقه فردی و فقه حکومتی بایسته‌ها و کاستی‌ها»؛ سیاست متعالیه، س ۲، ش ۴، ۱۳۹۳.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ به کوشش محمدحسن بکایی؛ چ ۱، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۲۰. فیومی، احمد بن محمد؛ المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی؛ قم: انتشارات دارالرضی، [بی‌تا].
۲۱. کاشف الغطاء، محمدحسین؛ کشف الغطاء؛ ج ۱، اصفهان: مهدوی، [بی‌تا].
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۲۳. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ بیروت: دارالإحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۴. مرکز فرهنگ و معارف قرآن؛ دایره‌المعارف قرآن کریم، ج ۲؛ چ ۲، قم: مؤسسه بوستان کتاب قم، ۱۳۸۳.

۲۵. مصطفوی، حسن؛ *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*؛ ج ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۶. مطهری، مرتضی؛ *ده گفتار*؛ ج ۱۹، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۲.
۲۷. مظفر، محمدرضا؛ *اصول الفقه*؛ ج ۱، چ ۴، قم: مرکز انتشارات تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰.
۲۸. منادی، مرتضی؛ «روش کیفی در علوم اجتماعی و علوم رفتاری»؛ *روش‌شناسی علوم انسانی*، س ۱۲، ش ۴۷، ۱۳۸۵.
۲۹. موسوی خمینی، سیدروح‌الله؛ *الخلل فی الصلاة*؛ قم: چاپ مهر، ۱۴۰۹ق.
۳۰. _____؛ *تهذیب الاصول*؛ قم: دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
۳۱. موسویان، سیدعباس و حسین میسمی؛ *بانکداری اسلامی (۱)*: مبانی نظری - تجارب عملی؛ تهران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۳.
۳۲. موسویان، سیدعباس؛ «بررسی فقهی - حقوقی قوانین مربوط به جریمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران»؛ *فصلنامه حقوق اسلامی*، س ۱، ش ۴، ۱۳۸۴.
۳۳. _____؛ «بررسی فقهی معاملات فارکس»؛ *مصاحبه با خبرگزاری تقریب*، ۲۲ فروردین ۱۳۹۰.
۳۴. _____؛ *بازار سرمایه اسلامی (۱)*؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.
۳۵. مهدوی، اصغراقا؛ «جایگاه شناخت موضوع و روش‌های آن در فقه امامیه»؛ برگرفته از کتاب *گفتارهایی در باب قرآن، فقه، فلسفه*؛ به اهتمام کامران ایزدی مبارکه، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹.
۳۶. مؤسسه دایرةالمعارف الفقه الاسلامی؛ کتاب فرهنگ فقه فارسی، ج ۵، قم: انتشارات مؤسسه دایرةالمعارف الفقه الاسلامی، ۱۳۸۷.
۳۷. میرمعزی، سیدحسین؛ «بورس‌بازی از نگاه فقه»؛ *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، س ۳، ش ۹، ۱۳۸۲.
۳۸. نائینی، محمدحسین؛ کتاب *الصلاة*، تقریر محمدعلی کاظمی خراسانی، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۳۹. نجفی جواهری، محمدحسن؛ *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*؛ ج ۲۳، چ ۷، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.

۴۰. نراقی، احمد بن مهدی؛ عوائد الأيام؛ قم: انتشارات بصیرتی، ۱۴۰۸ ق.
۴۱. _____؛ مستند الشیعه؛ ج ۲، مشهد: مؤسسه آل‌البتیت علیه السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۵ ق.
۴۲. نوایی، علی‌اکبر؛ «موضوع‌شناسی فقهی و رابطه آن با علوم»؛ پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ش ۳۴، ۱۳۸۱.
۴۳. نوری، نجیب‌الله؛ «به‌کارگیری روش تلفیقی (سه بُعدی) در مطالعات علوم انسانی»؛ فصلنامه پژوهش، س ۲، ش ۲، ۱۳۸۹.
۴۴. واعظ‌حسینی، محمد سرور؛ مصباح‌الاصول: تقریر عن سماحة آیت‌الله العظمی السید ابوالقاسم الموسوی الخوئی؛ ج ۱، قم: انتشارات داوری، ۱۴۲۳ ق.
۴۵. هاشمی، سید محمود؛ بحوث فی علم الاصول، تقریرات السید الشهید السید محمد باقر صدر؛ ج ۲، چ ۱، قم: مرکز‌الغدیر للدراسات الإسلامیه، ۱۴۱۷ ق.
46. Banks, E.; **The Palgrave Macmillan Dictionary of Finance, Investment and Banking**; Basingstoke: Palgrave Macmillan, 2011.
47. Cohen, L., Manion, L., & Morrison, K.; **Research Methods in Education**; 7th ed. London, New York: Routledge, 2011.
48. Fabozzi, F. J.; **Handbook of Finance**; Hoboken (N.J.): John Wiley & Sons, 2008.
49. Gitman, L. J., & Zutter, C. J.; **Principles of Managerial Finance**; 13th ed., The Prentice Hall series in finance. Boston: Pearson Prentice Hall, 2012.
50. Tashakkori, A. & Teddlie, Ch.; **Sage Handbook of Mixed Methods in Social & Behavioral Research**; 2nd ed, Los Angeles: SAGE Publications, 2010.
51. Thiagaraja, S., Morgan, A., Tebbutt, A., & Chan, G.; **The Islamic Finance Handbook: A Practitioner's Guide to the Global Markets**; Wiley Finance Series, 2014.